

حمایت از افراد دارای معلولیت

با رویکردی به فقه و تأملی در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹ محمد مهدی مقدادی*

چکیده

با وجود تصویب قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ و پس از آن الحاق به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۱۳۸۷، هنوز خلأهای جدی و کاستی‌های مهمی در مقررات مربوط به حمایت از معلولان ملاحظه می‌شود. شناسایی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و فقه اهل‌بیت (ع) در این باره که مشتمل بر قواعد جامع، مطالب بدیع و ارزنده‌ای است، ظرفیت مهمی است که تاکنون مورد اهتمام لازم قرار نگرفته و به دنبال آن لزوم اصلاح و تکمیل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است که باید تکیه بر همین آموزه‌ها، قواعد و نیز رعایت استانداردها صورت گیرد. در این نوشتار تلاش شده به این دو مسئله عنایت شود. از این رو بر پایه مطالعات انجام شده در مقاله حاضر، مهم‌ترین قواعد و اصول محوری جهت تأمین حقوق افراد دارای معلولیت و ارتقای حمایت از آنان از منظر فقهی ارائه شده و همچنین پیشنهادهایی برای رفع نقایص و تکمیل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان با تکیه بر آموزه‌های دینی و معارف ارزشمند اهل‌بیت (ع) بیان گردیده است تا با اصلاح این قانون، سندی جامع، کارآمد، کرامت‌محور و درخور نظام اسلامی تدوین و ارائه شود.

واژگان کلیدی: معلولیت، حمایت، حقوق افراد دارای معلولیت، آموزه‌های اسلامی، قانون.

*. دانشیار دانشگاه مفید (Mmeghdadim@gmail.com).

مقدمه

معلولان به‌عنوان انسان‌های شکیبا و شریفی که بخش قابل توجهی از جامعه را تشکیل می‌دهند،^۱ نیازمند عنایت و حمایت شایسته‌اند، به گونه‌ای که بتوانند به سهولت و بدون هیچ‌گونه تبعیضی از ظرفیت‌های موجود در جامعه بهره‌مند شده و حقوق شهروندی خود را استیفا نمایند. لیکن متأسفانه در این خصوص کاستی‌های متعددی وجود دارد: نبود آمار دقیق، فقدان مقررات مناسب، کمبود امکانات و حمایت‌ها، کوتاهی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی و از همه مهم‌تر فقدان درک و آگاهی عمومی لازم نسبت به معلولیت و حقوق افراد دارای معلولیت، موجب نگرانی‌ها و انتقادهای فزاینده‌ای گردیده است.

این در حالی است که توجه به شأن معلولان و حقوق آنان نه تنها جزء آموزه‌های پرتأکید دینی، که مورد وفاق همه خیراندیشان و انسان‌های وظیفه‌شناس در سراسر عالم است و بدین جهت در دهه‌های اخیر تدوین و توسعه مقررات مربوط به معلولان و حمایت از آنان محور اهتمام بسیاری از کشورها و مجامع بین‌المللی بوده است.

در همین راستا، کشور ما نیز گام‌های خوبی را برداشته و قانون جامع حمایت از معلولان را در ششم خرداد ماه ۱۳۸۳ به تصویب رسانده و پس از آن هم در تاریخ سیزدهم آذر ۱۳۸۷ به موجب قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت به اجرای این

۱. طبق برخی آمارها ده تا پانزده درصد افراد هر جامعه معلولان هستند که در ایران این آمار، به حدود یازده میلیون نفر می‌رسد (به نقل از معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی). همچنین در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ که با حضور سران دولت‌ها در مارس ۱۹۹۵ در کشور دانمارک برگزار شد، طی اعلامیه پایانی مطرح شد که: معلولان یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌ها، یعنی یک‌دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. اینان در بیشتر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده‌اند. به علاوه در تمامی کشورها، افراد مسن‌تر ممکن است از آسیب‌پذیری، به خصوص در برابر طرد شدن و فقر در رنج باشند. بنابراین ما رؤسای دولت‌ها تعهد می‌کنیم محیطی قانونی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم آوریم که دسترسی به توسعه اجتماعی را میسر سازد...

کنوانسیون بین‌المللی پایبند گردیده است. با وجود این دو مسئله اساسی در این عرصه وجود دارد که نیازمند تأمل جدی و پیگیری لازم است:

نخست شناسایی آموزه‌های اسلامی و فقه اهل‌بیت (ع) در حمایت از معلولان که در بردارنده قواعد جامع و مطالب بدیع و ارزنده‌ای است که تاکنون مغفول مانده است.

دوم ضرورت اصلاح و تکمیل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان با تکیه بر آموزه‌های دینی و معارف ارزشمند اهل‌بیت (ع) در قالبی کامل و کارآمد می‌باشد.

این نوشتار در همین مسیر و با رویکرد به آموزه‌های فقهی و تأمل در کاستی‌های قانون مزبور، کوشیده مباحثی را در سه گفتار ترتیب دهد. گفتار نخست درباره مفهوم معلولیت و حمایت از معلولان در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی است. گفتار دوم به ضرورت ارتقای حمایت از معلولان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی می‌پردازد و در سومین گفتار بر پایه مباحث ارائه‌شده در دو گفتار قبلی، مهم‌ترین موارد مربوط به اصلاح و تکمیل قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۸۳/۳/۶) تبیین می‌گردد.

۱. معلولیت و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی

معلولیت به نقص مادرزادی یا عارضی در جسم یا روان اطلاق می‌شود که به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از امور عادی زندگی منجر می‌شود. به عبارت دیگر معلولیت نقص یا ناهنجاری است که موجب اختلال در جسم یا روان می‌شود و در کارکردهای فرد و امور زندگی اثر می‌گذارد؛ از این رو معلول به فردی اطلاق می‌شود که با توجه به شرایط سنی و طبیعی خود، در حد توانایی پایین‌تری قرار دارد و با محدودیت‌هایی مواجه می‌گردد و از فعالیت متعارف و ایفای نقش عادی در زندگی و جامعه محروم می‌شود.^۱

۱. برای ملاحظه تعاریف ر.ک: نگار نباتی، حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران:

البته به علت ملاحظات دقیقی که در خصوص معلولیت‌ها و انواع آن وجود دارد، نظرها و دیدگاه‌های متفاوتی درباره مفهوم آن مطرح گردیده و کمتر تعریفی از جامعیت و جاهت لازم برخوردار بوده؛ به گونه‌ای که بتواند تمامی مصادیق معلولیت را فرا گیرد. با این حال تلاش‌های بین‌المللی متعددی جهت ارائه مفهوم کامل و فراگیر صورت گرفته، که در این مجال به برخی از مهم‌ترین این تعاریف می‌پردازیم.

۱.۱. تعریف معلولیت در اعلامیه حقوق معلولان

در ماده یک اعلامیه حقوق معلولان^۱ مصوب سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل فرد معلول را این‌گونه تعریف کرده است:

«فرد معلول یعنی هر فردی که به صورت کامل یا ناقص به علت نقص مادرزادی یا غیرمادرزادی در توانایی‌های جسمی یا ذهنی، قادر به رفع نیازهای یک زندگی عادی شخصی یا اجتماعی نباشد».

۱.۲. تعریف معلولیت در کنوانسیون حقوق معلولان

در ماده یک این کنوانسیون (که مورد الحاق کشور ما نیز قرار گرفته) «فرد معلول دارای معلولیت» با این تعبیر، تبیین شده است: «در اصطلاح اشخاص دارای معلولیت برای تمام اشخاص به کار می‌رود که دارای نقایص طولانی‌مدت فیزیکی، ذهنی یا حسی بوده، در تعامل با موانع مختلف ممکن است از نظر مشارکت کامل و مؤثر بر اساس اصول مساوی با دیگران دچار تأخیر شوند».

۱.۳. معلولیت از نظر سازمان جهانی بهداشت^۲

تا سال ۱۹۸۰ میلادی تعاریف ارائه‌شده برای معلولیت متمرکز بر عدم توانایی افراد

1. Declaration on the Rights of Disabled Persons.

2. Who; World health organization

معلول بود، اما در همین سال سازمان جهانی بهداشت با طرح موضوعات سه گانه اختلال،^۱ ناتوانی^۲ و معلولیت^۳ درصدد اصلاح این مفهوم برآمد. از نظر این سازمان معلول فردی است که بر اثر ضایعات، بیماری یا حوادث یا کهولت قسمتی از امکانات بدنی یا روانی خود را به طور دائم یا موقت از دست داده و از استقلال فردی او در آموختن یا فعالیت (کار کردن) کاسته شده است.

از نظر این سازمان مفهوم گسترده معلولیت شامل اختلالات، محدودیت فعالیت و مشارکت است که ناشی از نقص و اختلال در عملکرد یا ساختار بدن بوده و مانع از انجام کار و ایفای نقش فرد در موقعیت‌های زندگی می‌شود.^۴

چنان‌که اشاره شد، معلولیت دارای گستره و تنوع زیادی است. انواع معلولیت‌ها شامل موارد ذیل است:

الف) معلولیت‌های جسمی (اعم از معلولیت حواسی مانند نابینایی و ناشنوایی، معلولیت‌های حرکتی شامل نقص عضوها و ضایعات نخاعی و ناهنجاری‌های مربوط به ساختار بدن، و معلولیت احشای داخلی شامل اختلالات قلبی، عروقی، تنفسی و ...)

ب) معلولیت‌های ذهنی و روانی (اعم از عقب‌ماندگی ذهنی و بیماری‌های روانی)؛

ج) معلولیت‌های اجتماعی (اعم از معتادان، متکدیان، کودکان آسیب‌دیده و بزه‌کار و روسپیان).

در مقررات کشور ما، معلولیت تعریف نشده، لیکن در تبصره ماده یک قانون جامع

1. Impairment.

2. Disability.

3. Handicappy.

4. www.who.int/topics/disabilites/en/.2017/3/25.

حمایت از حقوق معلولان، تعریفی از معلول ارائه شده که نیازمند تکمیل است: «منظور از معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود»^۱.

با افزایش معلولیت‌ها، به ویژه آسیب‌های ناشی از جنگ‌ها و نیز به موازات افزایش توجه به ارزش‌های بنیادینی چون کرامت، عدالت و برابری و در نتیجه ایجاد جنبش‌های حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه، حمایت از افراد دارای معلولیت از اوایل قرن بیستم رونق گرفت و در سطح بین‌المللی برای نخستین بار در اعلامیه حقوق کودک (مصوب ۱۹۲۴) مسئله حمایت از معلولان (کودکان دارای معلولیت ذهنی) مورد توجه قرار گرفت.

گفتنی است اسنادی چون منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تدوین و تصویب حقوق اساسی بشر به طور عام فراهم گشته و در این اسناد، از تعلق تمام حقوق و آزادی‌های اساسی نسبت به تمامی افراد بشر بدون هیچ گونه تبعیضی یاد شده است، لیکن در آنها افراد دارای معلولیت به طور مصرح مورد عنایت قرار نگرفته‌اند. البته در اسناد حقوق بشری دیگری مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و دیگر آشکال رفتار ظالمانه و ضدانسانی (۱۹۸۴) نیز به صورتی کلی حقوق تمام افراد را مورد توجه قرار گرفته و

۱. اخیراً در لایحه اصلاحی این قانون فرد دارای معلولیت این گونه تعریف شده است: «فرد معلول: شخصی که بر اساس طبقه‌بندی‌های بین‌المللی انواع معلولیت سازمان بهداشت جهانی، با تأیید کمیسیون پزشکی - توانبخشی تشخیص نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور، در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی، ذهنی، روانی و یا توأم با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه است».

به طور مشخص به افراد دارای معلولیت اشاره شده است.

به علاوه، اسناد مهم دیگری وجود دارند که ضمن شناسایی و حمایت از حقوق گروهی یا کلیه افراد انسانی، حقوق افراد دارای معلولیت را نیز به طور خاص مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند؛ مانند مواد ۲۳، ۳۳ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ که به وضعیت کودکان دارای معلولیت توجه داشته است.

کنوانسیون جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ نیز در بخشی از اعلامیه پایانی خود به صراحت بیان داشته که کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، جهانی هستند و بدون استثنا شامل افراد معلول نیز می‌شوند. کلیه افراد از بدو تولد یکسان هستند و از حقوق مشترک حیات، رفاه، آموزش، کار، زندگی مستقل و شرکت فعال در کلیه جنبه‌های اجتماعی برخوردار هستند، بنابراین هر نوع تبعیض مستقیم یا رفتار تبعیض آمیز منفی نسبت به فرد معلول، نقض حقوق فرد تلقی می‌شود. سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس، برای دفاع از حقوق بنیادین بشر، از جمله افرادی که دارای معلولیت هستند، تلاش کرده است. در بیستم دسامبر ۱۹۷۱ سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه‌ای بیان داشت: «اشخاص دارای اختلالات روانی نیز مانند سایر اشخاص از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر پیمان‌های مربوط برخوردارند». همچنین اعلامیه مذکور راهکارهایی به منظور همسان کردن کامل اشخاص دارای معلولیت با جامعه ارائه می‌دهد.

در نهم دسامبر سال ۱۹۷۵ اعلامیه دیگری از سوی مجمع عمومی در مورد کلیه افراد معلول به تصویب رسید که در آن حمایت ملی و بین‌المللی از حقوق معلولان مورد تشویق قرار گرفت. اعلامیه بیان می‌دارد که افراد معلول نیز مانند سایر افراد از حقوق مدنی و سیاسی برخوردارند و باید اقدامات لازم جهت خودکفایی و خوداتکایی آنان صورت گیرد. مجمع عمومی سازمان ملل در گامی دیگر در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۶، سال ۱۹۸۱ را

سال بین‌المللی معلولان نام‌گذاری کرد، که مهم‌ترین رهاورد این سال، زمینه‌سازی تصویب برنامه جهانی اقدام برای معلولان در سال بعد بود. در سوم دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی گام مهمی را در جهت تحقق اهداف سال بین‌المللی معلولان از رهگذر برنامه جهانی اقدام برای معلولان برداشت. رویکرد این برنامه در قبال معلولان در قالب سه بخش پیشگیری، توان‌بخشی و برابری فرصت‌ها تدوین یافته بود. اجرای بلندمدت استراتژی‌های تضمین سیاست‌های ملی در مورد توسعه اقتصادی، اجتماعی، فعالیت‌های پیشگیرانه، از جمله توسعه و استفاده از علوم و فنون به منظور جلوگیری از بروز معلولیت، حذف قوانین ضد تبعیض در دسترسی به تسهیلات امنیت اجتماعی، آموزش و استخدام، در راستای موفقیت برنامه اقدام، به گونه‌ای ضروری احساس می‌شود.

در سطح بین‌المللی نیز دولت‌ها همکاری با یکدیگر، سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی را در امور فوق‌تقاضا دارند. برنامه عمل جهانی ۱۹۸۲ سند الزام‌آوری تلقی نمی‌شود، اما امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه راهکارهای مناسب در سه حوزه پیشگیری از معلولیت، توان‌بخشی و برابری فرصت‌ها محسوب می‌شود. سازمان ملل در ادامه فعالیت‌های خود در مورد اشخاص دارای معلولیت، سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ را دهه اشخاص معلول (با هدف تأکید بر ایجاد منابع جدید مالی، اصلاح موقعیت‌های استخدامی و آموزشی برای معلولان و افزایش مشارکت آنان در جامعه) نام‌گذاری کرد.

در هفدهم دسامبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی، اصول مربوط به حمایت از بیماران روانی را در قالب اعلامیه‌ای دیگر به تصویب رساند. این اصول بیست‌وپنج‌گانه، آزادی‌های اساسی و حقوق بنیادین افراد مذکور را تشریح کرد و در شانزدهم دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی از دولت‌ها درخواست نمود روز سوم دسامبر هر سال (سالروز تصویب برنامه جهانی اقدام در سال ۱۹۸۲) را روز جهانی افراد دارای معلولیت نام‌گذاری کنند.

اما یکی از برجسته‌ترین اقدامات اخیر که در راستای تلاش‌های سازمان ملل متحد صورت گرفته، تصویب کنوانسیون بین‌المللی در مورد معلولان است که به لحاظ یک سند حقوقی الزام‌آور، بسیار مهم و مؤثر تلقی می‌شود. کنوانسیون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت که با هدف شناسایی موانعی که اشخاص دارای معلولیت در راستای استیفای کامل حقوقشان با آنها مواجه هستند و نیز تأکید بر ارزش‌های بنیادین حقوق بشر در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۰۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، حاوی مجموعه متنوعی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در اسناد حقوق بشری برای افراد دارای معلولیت است.^۱ از جمله ویژگی‌های اصلی این سند مهم امور ذیل است:

الف) نگرش انسانی و کرامت‌محور به افراد دارای معلولیت: فرد معلول در این کنوانسیون، انسانی چون سایر افراد بشر تعریف شده، که فقط خواهان «فرصت‌های برابر اجتماعی» و «احقاق حقوق» خود است. طبق ماده یک آن: «هدف از این کنوانسیون پیشبرد، حمایت و حصول اطمینان از برخورداری مساوی همه معلولان از حقوق انسانی، آزادی‌های پایه و افزایش احترام به حرمت ذاتی آنها می‌باشد»؛ هدفی که کاملاً با آموزه‌های اسلامی مطابقت دارد.

ب) جامعیت و واقع‌بینانه بودن: مواد این کنوانسیون تقریباً همه ابعاد و نیازهای اساسی زندگی افراد توان‌خواه را دربر گرفته و با نگرشی واقع‌بینانه به پدیده معلولیت، مشکلات و

۱. مهم‌ترین حقوق ذکر شده در این سند عبارتند از: برابری و عدم تبعیض (ماده ۵)، حق حیات (ماده ۱۰)، آزادی و امنیت شخصی (ماده ۱۴)، ممنوعیت هرگونه شکنجه و رفتار غیرانسانی (مواد ۱۶ و ۱۵)، آزادی بیان و عقیده (ماده ۲۱)، احترام به حرمت حق خلوت، منزل و خانواده (مواد ۲۳ و ۲۲)، استقلال زندگی و ورود به جامعه (ماده ۱۹)، آموزش (ماده ۲۴)، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی (ماده ۲۹)، امکان دسترسی به امکانات جامعه (مواد ۹ و ۱۲) حق سلامت و توان‌بخشی (مواد ۲۶ و ۲۵)، اشتغال (ماده ۲۷)، تأمین اجتماعی (ماده ۲۸) و مشارکت در زندگی فرهنگی، ورزشی و تفریحی (ماده ۳۰).

کمیته‌های افراد معلول تدوین شده است.

ج) عنایت خاص به کودکان و زنان: این کنوانسیون در چند ماده به صراحت بر رعایت حقوق فردی و جمعی کودکان و زنان به‌عنوان گروه‌هایی که بیشتر در معرض آسیب و تضییع حقوق قرار دارند، تأکید نموده است.

د) مقبولیت و انطباق‌پذیری با مقررات ملی: جامعیت و نگارش مناسب کنوانسیون و پرهیز از مسائل حاشیه‌ای در آن، موجب شده از مقبولیت شایسته‌ای برخوردار شود؛ حتی در روز نخست تصویب آن، با پذیرش و امضای ۸۴ کشور همراه شد که رکوردی بی‌نظیر در تاریخ تصویب کنوانسیون‌های جهانی محسوب می‌شود.^۱

با وجود این حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه که شاخص‌های کمی و کیفی توسعه آنها در مراحل آغازین پیشرفت قرار دارد و از سوی دیگر به اذعان سازمان بهداشت جهانی بیش از دوسوم کل معلولان جهان در آنها زندگی می‌کنند، دارای اهمیتی فراوان است^۲ و این امر برای کشور ما بدان جهت که سالیانی درگیر جنگ تحمیلی بوده، و همچنین به لحاظ ابتدای مقررات آن بر فقه اسلامی و معارف ارزشمند اهل بیت (ع) واجد اهمیت بیشتری است. در همین راستا کشور ما در به موجب قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۳ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ (با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید

۱. گفتنی است، کنوانسیون مزبور، در بردارنده یک نظام کنترل و نظارت دائمی در سطح ملی است که طی آن از دولت‌ها می‌خواهد طبق سیستم حقوقی و اجرایی خود، چارچوبی را جهت ترویج، حمایت و نظارت بر اجرای حقوقی که در کنوانسیون حاضر شناسایی شده، طراحی، ایجاد و تقویت کنند.

۲. روند اقدامات و تصویب مقررات در بسیاری از کشورها نویدبخش است. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: قانون حمایت از معلولان لبنان در ۱۵ ماده مصوب ۱۹۹۹، قانون حمایت معلولان اردن در ۱۲ ماده مصوب ۱۹۹۳، قانون حمایت از معلولان کویت در ۲۴ ماده مصوب ۱۹۹۶، قانون حمایت از معلولان قطر در ۱۴ ماده مصوب ۲۰۰۴، قانون حمایت از معلولان ترکیه در ۵۲ ماده مصوب ۲۰۰۶ و قانون حمایت از معلولان عمان در ۲۲ ماده مصوب ۲۰۰۸.

۳. ماده واحده - کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۲ هجری شمسی برابر با ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶

شورای نگهبان) این کنوانسیون را پذیرفت.

از سوی دیگر می‌توان به قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ششم خرداد ۱۳۸۳ مجلس شورای اشاره کرد که در نوع خود گامی شایسته و اقدامی مؤثر در حمایت از افراد دارای معلولیت و ارتقای حقوق آنان بوده است.^۱ با تصویب این قانون در سال ۱۳۸۳، جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهایی قرار گرفت که از قانون داخلی برای حمایت از حقوق معلولان برخوردار بوده و زودتر از تصویب کنوانسیون، قانون حمایت از معلولان را تصویب نموده‌اند؛ لیکن باید اذعان نمود که این قانون کاستی‌ها و نقایص مهمی دارد که لازم است با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای حقوق بشری اصلاح و تکمیل گردد.

۲. ضرورت ارتقای حمایت از افراد توان‌خواه با توجه به آموزه‌های اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم شریعت جاودانه اسلام و فقه اهل‌بیت (ع)، دارا بودن قواعد جامع و آموزه‌های ارزشمندی است که ضمن تبیین احکام مختلف مکلفان در روابط فردی و اجتماعی، می‌توان بر پایه آن نظام‌های فقهی مورد نیاز جامعه را تدوین و ارائه نمود. تراش ارزنده فقهی ما در اعصار گذشته و حاضر، نشانگر ظرفیت بی‌مانند اسلام و پویایی این

میلادی مشتمل بر پنجاه ماده به شرح پیوست تصویب می‌گردد و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه تودیع اسناد تصویب آن با رعایت تبصره‌های زیر داده می‌شود:

تبصره ۱. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (سازمان بهزیستی کشور) و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان مراجع ملی موضوع ماده (۳۳۳) کنوانسیون تعیین می‌گردند تا با هماهنگی یکدیگر نسبت به اجرا مفاد کنوانسیون اقدام نمایند.

تبصره ۲. با توجه به ماده (۴۶۶) کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند.

۱. این قانون مشتمل بر شانزده ماده و بیست‌وچهار تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ شانزدهم اردیبهشت ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون ارائه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم قانون اساسی طی نامه شماره ۱۶۰۷۸ مورخ ۱۳۸۳/۳/۶ مجلس شورای اسلامی لازم‌الاجرا گردید.

قواعد و آموزه‌هایی است که با همت و دقت فقیهان ژرف‌اندیش فراهم آمده است. بی‌گمان فقه معلولان (مشمول بر حقوق و احکام معلولان و حمایت از آنان) از جمله عرصه‌هایی است که نیازمند عنایت و تدوین نظام جامع فقهی است تا بر پایه آن مقررات مربوط به افراد دارای معلولیت به شکل شایسته تدوین و ارائه گردد؛ مقررات نمونه‌ای که قابل عرضه در سطح جهانی بوده و نشانگر توانایی بی‌بدیل فقه ما باشد.

در این مجال تلاش می‌شود برخی از مهم‌ترین قواعد و اصول محوری جهت تأمین حقوق افراد دارای معلولیت و ارتقای حمایت از آنان از منظر فقهی ارائه شود. براین اساس نتیجه چنین خواهد بود که تأمین و حمایت از معلولان در جامعه ما، خاصه در قانون جامع حمایت از معلولان، آن‌گونه که باید، نبوده و لازم است با در نظر گرفتن اصول و آموزه‌های اسلامی، ابعاد دیگر، برنامه‌های بهتر و اقدامات جدیدتری مدنظر قرار گیرند.

۲.۱. کرامت و ارزش انسانی افراد معلول

از نگاه اسلام انسان موجودی شریف، گرامی و دارای کرامتی ذاتی است. کرامت خدادادی انسان در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و صریح‌ترین آیه در این خصوص، آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء است که خداوند می‌فرماید: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم». از اطلاق «انسان» چنین برداشت می‌شود که انسان‌ها به‌رغم تمایزات ظاهری و اختلافات فکری و فرهنگی از کرامت اولیه برخوردارند و این کرامت در تمام مراحل زندگی بشر وجود دارد و تا پس از مرگ را نیز شامل می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۶). افراد دارای معلولیت نیز این فضیلت را دارند و از مواهب و آثار آن برخوردارند که از جمله آنها حق حیات، حق آزادی بیان، حق انتخاب و مشارکت در اجتماعات و مصونیت از تعرض به شخصیت و رفتارهای ناسازگار با کرامت است.

ناگفته نماند که در اسلام نوع دیگری از کرامت با نام کرامت انسانی الهی یا اکتسابی

وجود دارد که مایه برتری و ارج انسان بوده و ارزشی است که با کوشش و خواست انسان به دست می‌آید. خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». بنابراین تنها امتیاز و کرامت حقیقی نزد خداوند تقواست که از آن طریق انسان می‌تواند از دیگران ممتاز شود (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۸، ص ۳۲۷). بدین سان افراد ناتوان یا کم‌توان بسیاری وجود دارند که با تقوا و شکیبایی از سایر افراد در کرامت حقیقی پیشی می‌گیرند و به مقام قرب الهی نزدیک‌تر می‌شوند. این نکته اساسی همواره باید در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مربوط به افراد دارای معلولیت مورد عنایت و تأکید باشد.

باید افزود در قرآن کریم، افراد دارای معلولیت بینایی، شنوایی و حرکتی از نظر کرامت انسانی مساوی افراد عادی دانسته و در آیاتی این معنا مشهود است؛ از جمله در آیات آغازین سوره عبس «عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» نشان داده شده که خداوند کسی را در آنها مورد عتاب قرار داده به خاطر اینکه نابینایی تکریم نشده و فرد یا افراد غنی و ثروتمندی بر وی مقدم شده است.^۱

همچنین قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره ص و ۸۳ سوره انبیاء^۲ با طرح بیماری و معلولیت حضرت ایوب - که واجد بالاترین مدارج انسانی و رسالت الهی است - درصدد فهماندن این

۱. در بین مفسران شیعه، در مورد اینکه چه کسی در این آیات مورد عتاب قرار گرفته است، اختلاف وجود دارد. بعضی از مفسران قائلند در مورد پیامبر اسلام (ص) وارد شده است و برخی دیگر می‌گویند شأن نزول درباره مردی از «بنی امیه» می‌باشد که نزد پیامبر (ص) نشسته بود و در همان حال «عبدالله بن ام مکتوم» وارد شد. هنگامی که آن مرد چشمش به عبدالله افتاد، لباس خود را جمع کرد و قیافه درهم کشیده و صورت خود را برگردانید. این شأن نزول در حدیثی از امام صادق (ع) نقل گردیده است. ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ص ۴۳۷؛ ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۲۶، ص ۱۲۳.

۲. «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ و (یاد کن حال) ایوب را وقتی که پروردگار خود را خواند که: مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو (بر بندگانت) از همه مهربانان عالم مهربان‌تری».

نکته است که معلول می‌تواند به بالاترین مدارج انسانیت برسد یا والاترین انسان‌ها شاید معلول شوند.

۲.۲. عیب نبودن معلولیت

اسلام هیچ‌گاه معلولیت را عیب و نقص نمی‌داند، بلکه دعوت ضمن افراد دارای معلولیت به صبر و شکیبایی، آن را سببی برای پاداش و از بین رفتن گناهان معرفی می‌کند. خداوند در قرآن کریم صبر در برابر مصائب را دارای ثواب و پاداش بدون اندازه و بی‌حساب می‌داند: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰). پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «هر کس یک شبانه‌روز بیمار شود و به عیادت کنندگانش از خدا شکایت نبرد، در قیامت با ابراهیم خلیل الرحمن مبعوث می‌شود و چون برق زودگذر از صراط عبور می‌کند» (حر عاملی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۱، ص ۱۷۶).

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «هر مسلمانی که آسیب جسمی داشته باشد، خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که برای او پاداش اعمال زمان سلامتی را ثبت نمایند تا آن زمان که بهبودی یابد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۳۰۶).

این تجلیل شایسته از معلولیت، هم می‌تواند مایه صبر و شکیبایی افراد دارای معلولیت باشد و هم سایرین را به تکریم و تحسین آنان برانگیزد و از بروز رفتارهای ناروا جلوگیری کند.

۲.۳. لزوم رفتار مناسب با معلولان

اسلام، دین محبت، برادری، صفا و صمیمیت است. آموزه‌های اسلام و اهل‌بیت (ع) بر خوش‌رفتاری، صلح، مهرورزی و رعایت کرامت انسان‌ها، به‌ویژه حمایت افراد ناتوان و نیازمند تأکید دارد. در این باره می‌توان به این فرمایش امیرمؤمنان علی (ع) به مالک اشتر اشاره کرد که می‌فرمایند: «قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن.

مبادا هرگز که درنده خون آشام باشی که خوردن مردم را غنیمت بشماری؛ چرا که مردم دو گروهند: یا برادران دینی تو بوده یا در آفرینش همانند تو هستند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

امامان معصوم (ع) برای استحکام بخشیدن به روابط اجتماعی و مردم‌دوستی دستور داده‌اند به دیگران اظهار محبت کرده و از علاقه درونی به آنان پرده برداریم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «آنگاه که به یکی از برادران دینی علاقه‌مند شدی، علاقه و دوستی‌ات را به او بیان کن» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۶۴۴).

رسول خدا (ص) حتی در مورد شیوه نگاه به افراد دارای معلولیت و بیماری توصیه فرموده‌اند: «به دردمندان، معلولین و جزامیان زیاد نگاه نکنید؛ زیرا نگاه (طولانی و کنجکاوانه) آنان را اندوهناک می‌نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ص ۱۵).

در سیره پندآمیز پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) فرازهای مهم و متعددی در حمایت از افراد ناتوان و دارای معلولیت وجود دارد، که از آن جمله رفتار مناسب و کرامت‌آمیز، تشویق به صبر و جلوگیری از انزوا و گوشه‌نشینی و دعوت مردم به حمایت و رفع نیاز آنان است.

۲.۴. لزوم حمایت شایسته دولت

آیین حیات‌بخش اسلام، برای نظام سیاسی و حاکمان جامعه، اهداف و وظایفی در نظر گرفته است تا نظام حکومتی مورد نظر اسلام، جامعه را به سمت آرمان‌های مطلوب هدایت نماید. برقراری عدالت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف دولت اسلامی است که در راستای آن دولت باید برای توزیع عادلانه ثروت، خدمات و برطرف کردن شکاف طبقاتی و حمایت از افراد نیازمند اقدام نماید.

دولت اسلامی باید جامعه را به یک مدینه فاضله تبدیل کند و بنیان تمدنی راستین و صالح را برقرار نماید تا در سایه آن، رفاه همه‌جانبه و آسایش عمومی برای همه مردم فراهم

آید و انسان‌ها در کنار سلامت روح، از سلامت روانی و جسمی نیز برخوردار باشند (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۸: ۹۹). از این رو تأمین نیازمندی‌های زندگی، مانند تغذیه مناسب، شغل، مسکن، تسهیلات لازم برای ازدواج از اهم وظایف دولت اسلامی است.

در این مجال جا دارد به فرمایش حضرت امیر (ع) در فراز هفتم، عهدنامه مالک اشتر اشاره شود:

«ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى...؛ آنگاه در خصوص طبقه گرفتار و محروم جامعه، که همه درها به روی آنها بسته است به تو هشدار می‌دهم. این طبقه عبارتند از: فقیران، نیازمندان، افراد زمین‌گیر، خاطرپریشان‌ها و دردمندان. همانا گروهی از این طبقه، خویشان داری کرده، اما گروه دیگر به گدایی اقدام کرده‌اند. پس به خاطر خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به این طبقه اختصاص ده؛ زیرا تفاوتی بین خودی و غیرخودی نیست و دورترین مسلمانان، همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی از بیت‌المال دریافت می‌کنند. مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، بلکه همواره در فکر مشکلات آنان باش و به آنان اخم مکن. به‌ویژه کسانی که از چشم‌ها دورند و در منظر و مرئی نیستند، اولویت داشته و بیشتر سزاوار رسیدگی می‌باشند؛ چون دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، افرادی مطمئن، خداترس و فروتن را انتخاب کن تا درباره آنان تحقیق و مسائل را به تو گزارش کنند. نیز پیوسته از آنان دلجویی کن؛ چون مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، و شخصاً به امور آنان رسیدگی کن، و در مجلس عمومی با آنان بشین. سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا بدون اضطراب با

تو سخن بگویند. من از رسول خدا بارها شنیدم که می‌فرمود: "ملت‌ی که حقوق ناتوانان را از زورمندان، بدون ترس و لرز نتواند بازستاند، رستگار نخواهد شد". پس درستی و سخنان ناهموار آنان را تحمل کن. البته اگر اموری را نتوانستی مهیا کنی، با مهربانی، معذرت خواهی کن (نهج البلاغه: عهدنامه مالک اشتر).

۲.۵. مساعدت و مشارکت مردم

مساعدت، تعاون و همبستگی اجتماعی از ارزش‌های مورد تأکید شریعت مقدس اسلام است. از منظر اسلام، انسان‌ها نمی‌توانند به نیازها، مشکلات و گرفتاری‌های دیگران بی‌توجه باشند. بر آنان لازم است که به یاری و حمایت از انسان‌های توان‌خواه و نیازمند، از جمله مستمندان، سالمندان، بی‌سرپرستان، بیماران و معلولان بشتابند. آموزه‌های مکتب مقدس اسلام در این باره چنان گسترده و ژرف است که نظامی جامع و بی‌بدیل را در این باره پایه‌گذاری نموده است:^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ...؛ خداوند به عدل و احساس و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ظلم نهی می‌کند» (نحل: ۹۰). از آیه دوم سوره مبارکه مائده نیز به گونه دیگری می‌توان اهمیت مساعدت و تشریک مساعی برای دستگیری و حمایت از افراد توان‌خواه را برداشت نمود؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید».

در آیه دیگری نیز آمده است: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ

۱. جهت ملاحظه بیشتر ر.ک: مالک محمودی و ابراهیم بهادری (زیر نظر آیت‌الله جعفر سبحانی)، بهزیستی و تأمین اجتماعی در اسلام، تهران: سازمان بهزیستی، ۱۳۸۹، ص ۱۵ به بعد.

أَوْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ در بسیاری از سخنان در گواهی آنان خیر و سودی نیست، مگر کسی که امر به کمک به دیگران یا کار نیک یا در میان مردم اصلاح کند و هر کس برای خشنودی خدا چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد».

منقول است که از پیامبر اکرم (ص) پرسیده شد: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمودند: «سودمندترین آنان برای مردم» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۴).

نیز آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «کسی که نیاز مؤمنی را برطرف کند، مثل این است که خداوند را برای همیشه عبادت کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ص ۳۰۲).

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: «هر کس ناتوان و معلولی را در کارهایش یاری دهد، خداوند او را یاری می‌کند و در روز قیامت بر او فرشتگانی قرار می‌دهد که او را از خطرهای منازل آخرت محافظت می‌نمایند...» (همان: ج ۷۵، ص ۲).

امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «بر مسلمانان لازم است که در رفع نیازهای مسلمانان با هم همکاری نمایند و با آنان با عطف و برادری رفتار کنند و محبت و مهربانی و همکاری را برنامه زندگی خود قرار دهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۷۵).

ابوبصیر می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «هر یک از اصحاب ما که برادر دینی او برای حاجتی از وی کمک بخواهد و او تمام کوشش خود را در انجام خواسته او به کار نبرد، بی‌گمان به خدا، پیامبر (ص) و مؤمنین خیانت کرده است» (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۵۹۶).

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «فهمان‌دن مطلبی به انسان ناشنوا بدون اینکه اذیت شود، صدقه‌ای گوارا است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۳۸۸).

بنابراین از منظر اسلام، حمایت و مساعدت افراد توان‌خواه و در معرض آسیب، فقط وظیفه دولت نیست؛ بلکه بر مردم است که با درک صحیح از همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری با دولت همکاری نموده و در این امر خیر از یکدیگر پیشی بگیرند.

۲.۶. تأمین جنبه‌های سلامتی

افراد دارای معلولیت بیش از سایر افراد، نیازمند تأمین سلامت در ابعاد مختلف جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی می‌باشند. تغذیه سالم و مناسب، بهداشت، تحرک و ورزش ویژه، در زمره نیازهای حیاتی معلولان قرار دارند تا آنان از بیماری، انزوا، افسردگی و عوارض ثانویه معلولیت در امان بوده و با روحیه و نشاط زندگی کنند. اسلام برای سلامتی توصیه‌های فراوانی داشته و مطالب غنی و ظریفی درباره بهداشت و سلامتی در زندگی فردی و اجتماعی ارائه نموده است، که عنایت به آنها در خصوص تأمین سلامت افراد توان‌خواه بسیار مهم و مؤثر خواهد بود. امام رضا (ع) فرموده‌اند: «وَإِنَّ لِبَدَنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛ بی‌شک بدن تو بر تو حقوقی دارد [که باید آنها را ادا کنی و به آن رسیدگی نمایی]» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۱۵۸).

امام سجاد (ع) در بخشی از دعای خویش می‌فرمایند: «خدایا بر من سلامت همه‌جانبه، شفابخش، برتر و رو به فزونی عنایت فرما؛ آن‌گونه که از آن سلامت دنیا و آخرت فراهم آید» (صحیفه سجاده: ۱۱۲). همچنین آن حضرت (ع) در نیایشی در مورد فرزندان، با رویکردی جامع به سلامتی از خداوند سبحان چنین می‌خواهند: «خدایا، امرشان را برای من برکت بخش و مدت زندگی‌شان را طولانی ساز و خردسالشان را برایم پرورش ده، و ضعیفان‌شان را نیرومند کن و بدن‌ها و دین‌ها و اخلاقشان را به صحت و سلامتی بدار؛ ایشان را در جان‌ها و اعضایشان و هر چیز از کارشان که مورد اهتمام من است، مشمول عافیت قرار ده» (همان: ۱۲۰).

از دیدگاه اسلام، سلامت تمامی وجوه و شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و به‌عنوان حق انسان‌ها به طور اخص مورد عنایت آموزه‌های دینی واقع شده که دارای ابعاد مختلفی شامل بُعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی است. بدین سان سزاوار است با تکیه بر آموزه‌های دینی، سلامت معلولان، خاصه از نظر روحی و معنوی^۱ مورد توجه قرار گیرد.

نکته دیگر اینکه خانواده‌هایی که از افراد توان‌خواه و معلول حفظ و مراقبت می‌کنند، باید به تأمین نیازها و حفظ رفاه آنان اهتمام لازم داشته باشند. شریعت اسلام، زدودن فقر از زندگی و دسترسی به سطح زندگی مطلوب را در وهله اول بر سرپرست خانواده قرار داده است و اگر ناتوان یا کم‌توان باشد، بر عهده دولت است که او را یاری داده و زندگی‌اش را به سطح مطلوب برساند. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: «پسندیده‌ترین شما نزد خدا، آن کس است که رفاه بیشتری برای اهل و عیال خود فراهم آورد» (صدوق، ۱۹۸۱م: ج ۴، ص ۴۰۸).

نکته دیگری که جای تأکید دارد اینکه یکی از ارکان تأمین سلامتی افراد توان‌خواه و معلولان، ایجاد امنیت روحی و روانی برای تأمین کامل سلامتی و احساس رضایت آنان است؛ به گونه‌ای که در ابراز آنچه در درون دارند و بروز استعدادها و خلاقیت خود، نه تنها احساس نگرانی نکند، بلکه احساس آزادی و راحتی نیز داشته باشند. بی‌گمان محیط امن روانی و ارتقای سطح اعتماد به آنان مستلزم رعایت محبت و مهرورزی، تشویق و تکریم،

۱. سلامت معنوی که به‌عنوان یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمی، روانی و اجتماعی مطرح است، به معنی برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق و احساس متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر متعالی، دیگران و خویش که طی یک فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کُنشی و پیامدی شخصی حاصل می‌شود و از یک سو بر چگونگی درک افراد از سلامتی در زندگی معنوی هنگامی که فرد با قدرتی بالاتر ارتباط دارد، متمرکز است و از دیگر سو در مورد اینکه چگونه افراد با خود، جامعه یا محیط سازگار می‌شوند، بحث می‌کند.

مشارکت، یاری و تعاون می‌باشد که تفصیل آن در این مجال نمی‌گنجد.

۲.۷. حق مشارکت معلولان

هر انسانی به موجب حق برابری از حق مشارکت سیاسی و اجتماعی برخوردار است. افراد توان‌خواه نیز از چنین حقی در زندگی سیاسی و عمومی برخوردارند (اموری از قبیل: تصمیم‌سازی و قانونگذاری، مدیریت اجرایی، شرکت در انتخابات و همه‌پرسی، نظارت و کنترل بر مواضع و رفتار حکومت و شرکت در احزاب و تشکل‌های سیاسی یا ایجاد آنها).

بی‌گمان هرچه مشارکت شهروندان در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه به‌هنگارتر، عقلانی‌تر و منطقی‌تر می‌شود (بابایی، ۱۳۷۶: ۲۴). از سوی دیگر، مشارکت، بیگانگی اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از ایجاد آثار منفی روانی در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی، تکروی، عدم تعاون و تحرک و نیز توجه به منافع شخصی جلوگیری می‌کند، و در مقابل، همبستگی ملی را تقویت می‌کند (فولادیان، ۱۳۸۷: ۴۰). مشارکت، داوطلبانه‌گرایی را افزایش می‌دهد و به ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم و نیروهای دولتی می‌انجامد (آزاد ارامکی، ۱۳۷۶: ۵۱).

مشارکت، به‌عنوان یکی از طرق تأمین اصول احترام به شخصیت فردی و اجتماعی و حقوق انسانی افراد و احساس امید به زندگی را در مردم تقویت می‌کند. حاصل این امیدواری نیاز به رفاه بیشتر و سپس تأمین آن را به وجود می‌آورد (فولادیان، ۱۳۸۷: ۴۱).

برخی از آیات قرآن کریم، بیشتر ناظر بر بُعد اجتماعی زندگی انسان است و به‌نوعی مفهوم مشارکت، همیاری و هم‌فکری جمعی از آن برداشت می‌شود. از جمله آیاتی که مردم را به مشارکت دسته‌جمعی برای به‌وجود آوردن مصالح زندگی اجتماعی دستور می‌دهد، آیه دوم سوره مائده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ...» در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.

همچنین آیه ۶۱ سوره توبه بر لزوم تبعیت دولت از افکار عمومی و رأی صاحبان اندیشه سیاسی (مشارکت سیاسی) دلالت دارد: «از جمله منافقان، کسانی هستند که پیامبر خدا را می آزارند و درباره او می گویند که گوش است (یعنی سخت وابسته به آرای اطرافیان خویش بوده و استقلال رأی و اراده ندارد). به آنها بگو: گوش بودن پیامبر به سود شماست (زیرا علت گوش بودن پیامبر دو چیز است) یکی اینکه به خدا باور دارد (و قهراً) بیشتر از آنچه خدا به او اختیار داده و تکلیف فرموده است، نمی طلبد و دیگر اینکه به مؤمنان نیز اعتماد دارد (و برای اندیشه آنان اعتبار قائل است) و او رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان آوردند و آنان که پیامبر خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی در انتظارشان خواهد بود» (ورکیانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

شورا و مشورت نیز یکی از آموزه‌های دینی است که فرهنگ اسلامی بدان اهتمام دارد. مشورت به مفهوم تبادل افکار و آرا به منظور دستیابی به تصمیم درست و مناسب، یکی از وظایف حکومت اسلامی و کارگزاران جامعه دینی است. بنابراین مشورت و شورا به مفهوم تضارب آرا و اعتبار از اصحاب خرد برای رسیدن به نظر صواب یا احسن، (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۱۹) خود زمینه‌های جدی مشارکت را در جامعه دینی فراهم می‌سازد، و این مهم درباره معلولان نیز بسیار حائز اهمیت است.

در قرآن کریم از پیامبر اکرم (ص) خواسته شده است در کارهای اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی بر پایه شور و مشورت با دیگران عمل کند (آل عمران: ۱۵۹) و نیز آمده است: «... مؤمنان کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند» (شوری: ۳۸).

از سوی دیگر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان زمینه‌ای برای مشارکت سیاسی و

روشی مؤثر برای اصلاح اجتماعی و برخورد با امور انحرافی، رسالتی همگانی است.^۱ مسلمانان بر اساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، دارای اراده آزاد و حق انتخاب می‌باشند و در قبال خوبی و بدی زندگی اجتماعی و رفتار افراد نسبت به همدیگر مسئولیت دارند. بنابراین کلیه شهروندان در قبال اوضاع و مسائل جامعه، به‌ویژه امور مربوط به خویش، حق، بلکه تکلیف نقد، نصیحت و نظارت را بر عهده دارند.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «... و اما حق من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در آشکار و نهان خیرخواهی نسبت به مرا از دست ندهید...» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴).

۲.۸. ارتقای دانش و معرفت

این نکته جای تردید ندارد که مردم حق آموزش دارند و در برابر، دولت‌ها مکلفند اقدامات و حمایت‌های مناسب و هماهنگ را برای تأمین آن فراهم آورند. ولی متأسفانه این وظیفه مهم فرهنگی، به لحاظ کم‌توجهی دولت‌ها و جوامع یا اهتمام و اولویت‌بخشی آنان به امور دیگر یا بی‌دقتی در به‌کارگیری روش‌های صحیح و مؤثر، به‌طور شایسته انجام نمی‌شود و گاه نیز مغفول می‌ماند که به‌افت حرکت فرهنگی و مشکلات اجتماعی منجر می‌گردد. آموزش افراد توان‌خواه و نیز ارتقای آگاهی عمومی نسبت به حقوق آنان نیز متأثر از همین

۱. در قرآن کریم آیه‌های فراوانی درباره امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند...» (توبه: ۷۱). «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰). «همان کسانی که چون در زمین به آنها توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست» (حج: ۴۱).

مسئله اساسی است.

باید دانست که منظور از آموزش و ارتقای علمی، صرف آموزش عمومی نیست؛ بلکه آموزش در مفهوم کامل و شایسته آن که موجب ارتقای فهم و معرفت است؛ آموزشی که در آن راه‌ها و روش‌های مؤثر برای رشد و تکامل توانایی‌های فکری، معرفتی و همچنین ارتقای مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان ملاحظه شود.

به همین جهت است که حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ؛ با غیر زبان‌هایتان مردم را دعوت کنید» (کافی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۷۸) و نیز حضرت امام علی (ع) فرموده‌اند: «هر کس خویش را پیشوای دیگران قرار داد، باید اصلاح خویش را بر اصلاح دیگران مقدم بدارد و پیش از آنکه مردم را با زبان خود دعوت نماید، با سیرت و رفتار خود دعوت کند» (نهج البلاغه: حکمت ۷۳).

آموزش در مفهوم کامل و با فراگیری آن، سبب نهادینه کردن ارزش‌های انسانی چون اخلاق، عدالت، صلح و بردباری و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی شده و جامعه را به مسیر کمال و سعادت سوق می‌دهد و باید اذعان نمود که دولت‌های اسلامی در این جهت نقش اساسی دارند و بار اصلی را باید بر دوش کشند. حضرت امیر المؤمنین (ع) در این باره فرموده است: «ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی، بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی که در بیت‌المال دارید، کاملاً پیردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایید و آداب آموزم تا بدانید» (همان: خطبه ۳).

شایسته ذکر است که یکی از نکاتی که حکومت اسلامی را از غیر حکومت اسلامی متمایز می‌سازد، این است که از دیدگاه شریعت اسلامی، تأمین مصالح معنوی و ایجاد زمینه برای رشد اخلاق و معنویت نیز از وظایف حکومت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۹). لذا در آموزش باید به جنبه‌های روحی، معنوی و پرورش شخصیت اخلاقی نیز عنایت شود.

البته بار آموزش فقط بر عهده دولت نیست، سایر افراد، به ویژه نخبگان جامعه نیز در این باره وظایف مهمی بر عهده دارند. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «زکات دانش، تعلیم آن به اشخاص فاقد علم است» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ج ۷، ص ۲۷۵۰). نیز فرموده‌اند: «هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمامی نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۴).

با توجه به آنچه گفته شد، از منظر فقه اسلامی، ارتقای دانش و معرفت و مهارت، یک حق بنیادین برای افراد توان خواه است که در جامعه اسلامی، دولت و مردم (در حد توان) باید به تأمین آن اهتمام ورزند، و از سوی دیگر عموم مردم هم باید درباره فهم معلولیت، وضعیت و حقوق افراد دارای معلولیت و حمایت از آنان، آگاهی لازم را به دست آورند.

۳. اصلاح و تکمیل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان

همان گونه که اشاره شد، مقررات مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت و حمایت از آنان، باید با تکیه بر آموزه‌های دینی و معارف ارزشمند اهل بیت (ع) با رویکردی کرامت‌مدار و در قالبی کامل و کارآمد تدوین شود. با وجود این آنچه در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان فراهم آمده، به رغم اینکه دستاوردهای خوبی در حمایت از حقوق آنان به همراه داشته، با کاستی‌ها و نقایص بسیاری همراه می‌باشد. از این رو لازم است با بازبینی و تکمیل آن، سندی جامع و کرامت‌محور و در خور نظام اسلامی تدوین و ارائه شود. در این گفتار با توجه به مباحث پیشین و ملاحظات متعددی که در جهت حمایت بهتر از افراد دارای معلولیت وجود دارد، پیشنهادهایی در این خصوص مطرح گردیده است:

الف) با توجه به اینکه قانون (قانون جامع حمایت از حقوق معلولان) حمایتی است و نقش دولت در این میان محوری و برجسته می‌باشد، مناسب است در بخش کلیات به طور مشخص و روشن، به این اصل کلی تصریح شود که: «دولت موظف است تمامی حقوق

افراد دارای معلولیت را رعایت و شرایطی فراهم آورد که فرد معلول بتواند از حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی، اجتماعی و...) برخوردار گشته و با استقلال، امور اجتماعی خود را انجام دهد. دولت موظف است نسبت به رفع موانع و مشکلات این افراد اقدام کرده و هر امری که موجب حذف یا انزوای آنان از امور شخصی و اجتماعی می‌گردد، پیگیری و برطرف نماید».

ب) در این قانون ساختار حمایتی از افراد دارای معلولیت به خوبی ترسیم و پایه‌گذاری نشده است.

از این رو پیشنهاد می‌گردد: جهت تعیین راهبردها، تبیین اولویت‌ها، انسجام‌بخشی به برنامه‌ها و اقدامات، نظارت، پایش و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و بررسی گزارش‌های ادواری، تهیه دستورالعمل‌ها و برنامه‌های جامع و ایجاد زمینه‌های همکاری نهادهای دولتی، غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی، شورایی با عنوان «شورای عالی حمایت از افراد دارای معلولیت (توان‌خواهان)» تشکیل و دبیرخانه آن در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌بینی شود.

اعضای این شورا عبارتند از:

وزیر کار، رفاه و تعاون اجتماعی (رئیس)، رئیس سازمان بهزیستی کل کشور (دبیر)، یکی از معاونان ریاست قوه قضائیه، ریاست کمیته امداد امام خمینی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا معاون وی، وزیر آموزش و پرورش یا معاون وی، وزیر کشور یا معاون وی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یا معاون وی، وزیر راه و شهرسازی یا معاون وی، رئیس سازمان صداوسیما یا معاون وی، وزیر ورزش و جوانان یا معاون وی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا معاون وی، دو نماینده مجلس شورای اسلامی از کمیسیون بهداشت، کمیسیون قضایی و حقوقی، یک عضو هیئت علمی دانشگاه، دو نماینده از افراد

دارای معلولیت، یک مدرس حوزه علمیه و یک نماینده از سازمان‌های معتبر مردم نهاد فعال در حوزه معلولان.

ج) مشکل عدم وجود ضمانت اجرا در وظایف نهادهای دولتی با تشکیل این شورا به‌خوبی برطرف می‌شود. این مقررّه پیشنهاد می‌گردد: این شورا موظف است هر سال گزارش اقدامات انجام‌شده در راستای قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت را در دریافت، بررسی و به مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند و هم‌زمان تخلفات دستگاه‌های اجرایی موضوع این قانون را به سازمان بازرسی کل کشور اعلام نمایند. کمیسیون بهداشت و کمیسیون قضایی و حقوقی موظف‌اند ظرف یک ماه پس از بررسی گزارش و صحت مطالب آن، خلاصه گزارش را در صحن علنی مجلس قرائت و نتایج آن را جهت اطلاع عموم منتشر سازند.

د) همچنین به لحاظ ساختاری لازم است وظایف نهادها و دستگاه‌های اجرایی به تفکیک در یک یا چند ماده مطرح شود؛ نه اینکه یک وزارت یا یک سازمان (بهبیستی) محور اقدام قرار گیرد که مقررّه‌ای ناقص و نیز نامتعارف محسوب می‌شود. به‌ویژه اینکه سایر نهادها و وزارت‌خانه‌ها خود را مخاطب و مکلف تلقی نخواهد نمود.

ه) جهت ساماندهی بهتر حمایت‌ها، ارتقای خدمات و رفع نیازها و مشکلات افراد دارای معلولیت، مناسب است تأسیس یک دفتر استانی با عنوان «دفتر حمایت از افراد دارای معلولیت» در ادارات کل بهزیستی هر استان تشکیل شود. وظیفه این دفتر، ایجاد هماهنگی با شورای عالی و سایر دستگاه‌های اجرایی استان، تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات و ساماندهی و انسجام‌بخشی اقدامات (در جهت برنامه‌هایی نظیر آموزش، توانمندسازی، شناسایی افراد توان‌خواه، تربیت مددکاران متخصص، مشاوره و...) خواهد بود.

و) با آنکه عنوان قانون، حمایت از حقوق معلولان است، در آن هیچ‌گونه تأکید و حتی اشاره‌ای به حقوق مدنی و سیاسی این افراد و وظیفه دولت و نهادهای دولتی در حفظ و حمایت آن، مشاهده نمی‌شود.

تأکید بر حق حیات و کرامت، استقلال فردی و حق آزادی آنان، عدم تبعیض، حق امنیت در برابر خشونت و رفتارهای غیر انسانی، و حق مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی و... از حقوقی است که جا دارد در این قانون مورد تأکید قرار گیرد. علاوه بر این، باید یادآور شد که حقوق سیاسی معلولان فقط در انتخابات و محدود به رأی دادن و رأی گرفتن نیست. دیگر حقوق سیاسی معلولان و سایر حقوقی که در فرایند انتخابات دارند، نباید مورد غفلت واقع شود. از جمله می‌توان این موارد را نام برد: تشکیل احزاب، دسترسی به رسانه‌هایی که برای معلولان قابل فهم باشد مانند تهیه روزنامه به خط بریل برای نابینایان جهت آگاهی از اخبار، آگاه کردن آنها از شرایط ثبت‌نام، لیست کاندیدها، رأی دادن، حتی کاندیدا شدن و انتخاب شدن و در محل مناسب قرار گرفتن صندوق رأی‌گیری برای آنان.

ز) متأسفانه قانون با رویکردهای محدود و ناقصی تدوین شده، از این‌رو توجه به حقوق فرهنگی و نیز سلامت معنوی افراد دارای معلولیت مغفول واقع شده است. ناگفته نماند که مسئله حقوق فرهنگی و به‌ویژه سلامت معنوی از دیدگاه اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد که توجه به آن می‌تواند جلوه‌ای خاص و متعالی به قانون ما ببخشد.

در مورد حقوق فرهنگی معلولان سه دسته مهم وجود دارد: حق آموزش، حق شرکت فعالیت‌ها و حیات فرهنگی جامعه، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن. آموزش مهم‌ترین محور است و نقش اصلی در توانمندسازی معلولان دارد و متخصصان آن را ابزار عمده و قدرتمند برای توانمندسازی افراد معلول تلقی می‌کنند. لذا لازم است تعهدات کامل و

تفصیلی نهادهای دولتی در خصوص حق آموزش افراد دارای معلولیت ذکر شود. مسئله آموزش عمومی و آموزش عالی یک ضرورت است و در کنار آن «آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی» و سایر آموزش‌های لازم مسئله‌ای است که مغفول مانده است.

همچنین موضوع تسهیل آموزش خط بریل و خط‌های جایگزین، تسهیل در یادگیری زبان اشاره، تضمین ارائه آموزش به کودکان نابینا، ناشنوا یا ناشنوا - نابینا با استفاده از شیوه‌های مناسب، مورد توجه قرار نگرفته است.

دسته دیگر از حقوق فرهنگی، حق شرکت در فعالیت‌ها و حیات فرهنگی جامعه است که ابعاد و مصادیق گسترده‌ای دارد و شایسته است در مقررات مربوط به شرح وظایف وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، مطالب زیر مدنظر قرار گیرد:

«حق معلولان برای بهره‌مندی از حقوق فرهنگی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، از جمله دسترسی به محصولات و برنامه‌های فرهنگی و هنری و دسترسی به مکان‌های ارائه خدمات فرهنگی مانند سینما، موزه، تئاتر و کتابخانه‌ها مساوی با سایر افراد تضمین و تمهیدات و امکانات لازم برای آنان فراهم گردد.

فرصت مناسب برای ارائه، توسعه و استفاده از خلاقیت‌ها و ظرفیت‌های هنری و ذهنی افراد دارای معلولیت فراهم شود و برنامه‌های خاص فرهنگی با در نظر گرفتن شرایط و هویت زبانی معلولان تولید و اجرا گردد».

دسته سوم از حقوق فرهنگی معلولان، حق دسترسی به اطلاعات می‌باشد که بر پایه آن لازم است اطلاعات در نظر گرفته شده برای عموم، برای افراد دارای معلولیت در قالب‌های قابل دسترسی و متناسب با نوع معلولیت به موقع و بدون هزینه اضافی تأمین شود و امکان استفاده از زبان اشاره، بریل و روش‌های ارتباطی افراد دارای معلولیت در تعاملات رسمی فراهم گردد. همچنین تسهیلات لازم برای بهره‌مندی افراد معلولیت در محیط‌های مجازی و

سایبری منظور شود».

محور دیگری که در حمایت از حقوق معلولین جای تأکید دارد، حق بر سلامت معنوی آنان است. سلامت معنوی که حاصل معرفت، هستی‌شناسی و باورهای اعتقادی است، در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد و در کنار سلامت جسمی، روانی و اجتماعی مورد تأکید می‌باشد. با لحاظ آنکه سلامت معنوی موجب امید، نشاط و تعالی روحی، تحمل درد و رنج و ارتقای شکیبایی می‌گردد، در خصوص افراد توان‌خواه و دارای معلولیت اهمیتی دوچندان می‌یابد که می‌طلبد این حق مهم برای آنان در قانون حمایتی منظور شده و نهادهای متولی (از جمله سازمان بهزیستی) به تهیه و اجرای برنامه‌های مناسب در این باره موظف گردند.

ح) لازم است مسئله فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی درباره حقوق معلولان و حمایت از آنان، مورد توجه قرار گیرد. مسئله «فرهنگ‌سازی» مهم‌ترین محور یک قانون حمایتی است، چه با ارتقای آگاهی و فرهنگ مردم در خصوص درک و رفتار شایسته با معلولان و حمایت مناسب از آنان، بهترین نتایج رقم می‌خورد. از این‌رو انتظار می‌رود که این وظیفه مهم در سطح گسترده برای تمامی وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی منظور شود و صرفاً به یک یا دو نهاد بسنده نشود. از سوی دیگر آموزش و ارتقای آگاهی مردم نیازمند برنامه‌های متنوع است و نه صرف نمایش فیلم.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد در راستای تحقق این هدف مهم امور ذیل با نظارت شورای عالی حمایت مدنظر قرار گیرد:

- طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی جهت تربیت و ارتقای توانایی مددکاران و کادرهای آموزشی؛

- طراحی و برگزاری دوره‌ها و نیز تهیه و توزیع بسته‌ها و بروشورهای آموزشی برای عموم مردم (اقشار مختلف) در خصوص حقوق معلولان و حمایت از آنان؛

- تهیه و تدوین مطالب درسی متناسب با مقاطع تحصیلی در خصوص حقوق معلولان.
ط) توجه و بهره‌گیری شایسته از مشارکت‌های مردم در برنامه‌های حمایتی از افراد دارای معلولیت از دیگر محورهای مهمی است که در آموزه‌های اسلامی مورد توصیه بوده و متأسفانه در مقررات حاضر مغفول مانده است.

بی‌گمان دولت با وجود وظایف متعدد و متنوعی که برعهده دارد، نمی‌تواند به طور مناسب نسبت به حقوق و وضعیت افراد دارای معلولیت رسیدگی کرده و حمایت همه‌جانبه را انجام دهد؛ بنابراین لازم است از ظرفیت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز نهادهای علمی و مراکز دانشگاهی در این باره استفاده شود تا در پرتو همبستگی و مشارکت‌های مردمی، حمایت از معلولان به‌عنوان یک حرکت فرهنگی، ارزشی و اخلاقی، سامان یابد. از این رو پیشنهاد می‌شود در وظایف نهادهای دولتی (از جمله وزارت کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) به برنامه‌ریزی، ساماندهی و فراهم آوردن شرایط جهت جذب مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره شود و همچنین برای ایجاد زمینه و ارائه تسهیلات جهت همکاری مراکز علمی و دانشگاه‌ها برای ارائه آموزش و خدمات مشاوره‌ای در زمینه حقوق معلولان و حمایت از آنان تأکید گردد.

ی) متأسفانه در این مقررات «اصول حمایتی و توانمندسازی» در خصوص معلولان مورد عنایت قرار نگرفته است. تدوین اصول، به‌ویژه در مقررات حمایتی جهت ارائه قواعد و استانداردهای کلی که در هرگونه اقدام باید مدنظر قرار گیرد، بسیار ضروری است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد این ماده در قانون حمایتی درج شود.

در اجرای مقررات این قانون و انجام برنامه و اقدامات در مورد افراد دارای معلولیت، رعایت اصول زیر الزامی است:

– احترام به کرامت انسانی، آزادی مشروع، امنیت و حریم خصوصی افراد دارای معلولیت؛

– ایجاد محیط و شرایط مناسب برای حمایت از سلامت معنوی و رشد فضائل اخلاقی؛

– رعایت مصلحت افراد دارای معلولیت؛

– احترام به دیدگاه‌های افراد دارای معلولیت و مشارکت آنان در امور مربوط به خود؛

– احترام به جایگاه و استواری خانواده و تحکیم روابط خانوادگی؛

– حق دسترسی مساوی و یکسان و نفی هرگونه تبعیض ناروا در اقدامات، مزایا و

حمایت‌های قانونی؛

– پیشگیری، درمان و توانمندسازی و رفع آثار و پیامدهای ناگوار؛

– اتخاذ اقدامات و رفتار انسانی متعهدانه، حرفه‌ای و بهنگام در حمایت از معلولان؛

– توجه به وضعیت، جنسیت و شرایط سنی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی؛

– مشارکت افراد دارای معلولیت در زندگی اجتماعی و اجرای حقوق شهروندی.

ک) افراد دارای معلولیت به جهت مشکلات جسمی و ضعف‌های بدنی، می‌توانند در معرض آسیب‌ها و آزادی‌های مختلفی چون بی‌توجهی و غفلت، بهره‌برداری اقتصادی، آزار جسمی، جنسی و عاطفی قرار گیرند؛ از این رو لازم است در قانون حمایتی، رفتارهایی که موجب بی‌توجهی، سهل‌انگاری، آزار یا بهره‌کشی نسبت به آنها می‌شود، مورد جرم‌انگاری قرار گیرد و ضمانت اجرای کیفری مناسب برای آنان مقرر شود.

از سوی دیگر مواردی که ممکن است معلولان به لحاظ فقدان سرپرست یا مراقب، بزه‌دیدگی و نیز شرایط زیان‌بار مانند بیماری سخت، فقر، مشکلات شدید خانوادگی، آوارگی و... در «وضعیت مخاطره‌آمیز» قرار می‌گیرند، در قانون پیش‌بینی و حمایت‌های

حمایت از افراد دارای معلولیت با رویکردی به فقه و تأملی در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (۲۳۷)

لازم منظور شود (وضعیت مخاطره آمیز، اوضاع و احوالی است که افراد دارای معلولیت نیازمند مساعدت و حمایت‌های فوری می‌باشند).

ل) در قانون حمایت از حقوق معلولان هیچ‌گونه تفکیک و تفصیلی در انواع حمایت‌ها دیده نمی‌شود؛ لذا سزاوار است حمایت‌های مناسب برای نخبگان دارای معلولیت و نیز کودکان دارای معلولیت و همچنین سالمندان دارای معلولیت به تفکیک، مشخص و منظور شود.

م) جهت تأمین و ساماندهی هزینه‌ها و حمایت‌های مالی مربوط به افراد دارای معلولیت، پیشنهاد می‌گردد: ماده‌ای با این محتوا به قانون حمایتی افزوده شود: «به منظور تأمین و پرداخت هزینه برنامه‌ها و اقدامات حمایتی موضوع این قانون، صندوق حمایت از افراد دارای معلولیت در دبیرخانه شورای حمایت تشکیل می‌گردد که منابع مالی آن به شرح زیر است:

اول) ردیف بودجه مستقل در قوانین بودجه سالانه؛ دوم) کمک‌ها و هدایای نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی؛ سوم) وقف و نذر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با معلولان؛ چهارم) درآمد حاصل از وجوه قابل سرمایه‌گذاری صندوق».

ن) متأسفانه در مواردی از قانون حمایتی فعلی، نگاه فقرمحور به افراد دارای معلولیت مشاهده می‌شود که شایسته نیست و می‌تواند به شأن کرامت انسانی آنان آسیب وارد سازد.

نتیجه

با وجود تصویب قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ و پس از آن الحاق به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۱۳۸۷، هنوز خلأهای جدی و کاستی‌های مهمی در مقررات مربوط به حمایت از معلولان ملاحظه می‌شود. در این خصوص با مراجعه و تعمق در آموزه‌های اسلامی و فقه اهل بیت (ع) درباره حمایت از معلولان، قواعدی جامع و اصول ارزنده‌ای استخراج می‌شود که می‌تواند پایه‌های مهمی در بازسازی مقررات حمایتی افراد دارای معلولیت محسوب گردد. با در نظر گرفتن این اصول و آموزه‌ها، می‌توان برنامه‌های بهتر و اقدامات جدیدتری در ارتقای حقوق معلولان و حمایت از آنان ارائه نمود. اصولی که در این نوشتار ارائه و بررسی شد، شامل این موارد بود: کرامت و ارزش انسانی افراد دارای معلولیت، عیب نبودن معلولیت، لزوم رفتار مناسب با افراد دارای معلولیت، ضرورت حمایت شایسته دولت، بهره‌گیری از مساعدت و مشارکت مردم، توجه به تأمین جنبه‌های سلامتی معلولان، اهتمام به حق مشارکت افراد دارای معلولیت و ارتقای دانش و معرفت آنان. دومین مسئله، ضرورت اصلاح و تکمیل قانون جامع حمایت از حقوق معلولان با تکیه بر آموزه‌های دینی و معارف ارزشمند اهل بیت (ع) در قالبی کامل و کارآمد بود که با توجه به مباحث فقهی و ملاحظات متعددی که در جهت حمایت بهتر از افراد دارای معلولیت وجود دارد، پیشنهادهایی در چهارده بند مطرح گردید.

حمایت از افراد دارای معلولیت با رویکردی به فقه و تأملی در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان «۲۳۹»

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 صحیفه سجادیه
۱. آزاد ارمکی، تقی، «مشارکت و توسعه اقتصادی - اجتماعی»، تهران، مجله فرهنگ و توسعه، سال دوم، شماره ۱۰، ۱۳۷۶.
 ۲. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
 ۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه اسلامیة، بی تا.
 ۴. حکیمی، محمدرضا، الحیاة، قم: دلیل ما، ۱۳۸۸.
 ۵. سجادی، سید عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
 ۶. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا(ع)، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
 ۷. _____، من لایحضره الفقیه، بیروت: دارصعب، ۱۹۸۱م.
 ۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳ق.
 ۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
 ۱۰. عظیمی شوشتری، عباس علی، «اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام»، فصلنامه معرفت سیاسی، قم: مؤسسه امام خمینی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.

۱۱. عمید زنجانی، عباس علی، «ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام»، مجموعه مقالات به مناسبت روز حقوق بشر، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. فولادیان، مجید و احمد رضانی فرخند، نظریه‌ها و پارادایم‌های مشارکت در جامعه‌شناسی، مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۷.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: مکتبه اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۴. المتقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۱۷. محمودی، مالک و ابراهیم بهادری (زیر نظر آیت‌الله جعفر سبحانی)، بهزیستی و تأمین اجتماعی در اسلام، تهران: سازمان بهزیستی، ۱۳۸۹.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۰. نباتی، نگار، حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۹.
۲۱. ورکیانی، محمد ابراهیم، مردم‌سالاری در متون دینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی)، به‌اهتمام محمد رضا مرندی، ج ۳، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.